

عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده

الهام سیدآقاپور

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازرگانی داخلی

چکیده

در ایران، علیرغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر برای توسعه نظام مالیاتی، هنوز نظام مالیاتی کشور با چالش‌های زیادی روبرو است. سهم پایین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، نسبت پایین مالیات به هزینه‌های جاری دولت، نسبت پایین مالیات به بودجه عمومی کشور و سرانجام گسترده‌گی معافیت‌های مالیاتی و غیره جملگی از نقش ضعیف مالیات در اداره امور کشور و همچنین تأثیر اندک آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی حکایت دارند. از آنجایی که سرعت عمل و همچنین کوشش سازمان مالیاتی در جمع‌آوری مالیات‌ها از شاخص‌های مهم کارایی نظام مالیاتی است؛ وقفه در اجرای فرایند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی به عنوان یک عامل منفی در ارزیابی عملکرد نظام مالیاتی تلقی می‌شود. با توجه به مطالب مطرح شده و مطالعات گسترده در زمینه عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی از بعد غیرقانونی، پژوهش حاضر بر آن است تا به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده بپردازد. در حقیقت، پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که عوامل مؤثر بر وقفه‌های مالیاتی کدامند و میزان تأثیر این عوامل به چه صورت است؟ برای پاسخ به این پرسش اطلاعات کلان کشور ایران طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۷ گردآوری شد و به بررسی تأثیر هزینه صرف شده دولت برای درمان، توسعه شهرنشینی، درآمد، تورم و فساد مالی بر وقفه مالیاتی پرداخته شد. نتایج نشان دادند که وقفه مالیاتی تحت تأثیر فاکتورهای عنوان شده قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: هزینه صرف شده دولت برای درمان، توسعه شهرنشینی، درآمد، تورم، فساد مالی، وقفه مالیاتی

مقدمه

یکی از مهمترین روش‌های تامین مخارج دولت، جمع‌آوری و وصول انواع مالیات‌ها است. صاحب‌نظران اقتصاد و توسعه معتقدند که کسب درآمدهای مالیاتی به منظور تامین هزینه‌های دولت، شاخص‌های نامطلوب اقتصادی همچون تورم، بیکاری و غیره را بهبود می‌بخشد. در کشورهای جهان سوم، سهم درآمدهای مالیاتی دولت از تولید ناخالص ملی رقم بسیار ناچیزی می‌باشد و سهم پرداخت‌های دولت نسبت به تولید ناخالص ملی، همواره بیش از سهم مالیات استاز دیدگاه دولت، مالیات یکی از موضوعاتی است که برای دولت با اهمیت است، چون درآمد مالیاتی یکی از درآمدهایی است که بیشتر هزینه‌های عمومی را پوشش می‌دهد. مالیات به عنوان منبع مهمی از درآمد دولت برای پوشش هزینه‌ها و ابزار مالی جهت اعمال تصدی و هدایت مطرح گردید. از دیدگاه مالیات‌دهندگان، به ویژه شرکت‌ها، مالیات یک بار مسئولیتی هم برای شرکت و هم برای ذینفعان است. از آنجا که مردم نسبت به پرداخت مقدار زیادی از مالیات به مقامات مالیاتی تردید دارند، آنها استراتژی‌های مالیاتی را برای به حداقل رساندن، رفع و یا به تعویق انداختن بدهی مالیاتی به کار می‌گیرند (بحری ثالث، ۱۳۹۳).

در ایران، علیرغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر برای توسعه نظام مالیاتی، هنوز نظام مالیاتی کشور با چالش‌های زیادی روبرو است. سهم پایین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، نسبت پایین مالیات به هزینه‌های جاری دولت، نسبت پایین مالیات به بودجه عمومی کشور و سرانجام گستردگی معافیت‌های مالیاتی و غیره جملگی از نقش ضعیف مالیات در اداره امور کشور و همچنین تأثیر اندک آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی حکایت دارند. از آنجایی که سرعت عمل و همچنین کوشش سازمان مالیاتی در جمع‌آوری مالیات‌ها از شاخص‌های مهم کارایی نظام مالیاتی است؛ وقفه در اجرای فرایند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی به عنوان یک عامل منفی در ارزیابی عملکرد نظام مالیاتی تلقی می‌شود. ویتوتانزی، وقفه‌های مالیاتی یا تأخیر در جمع‌آوری مالیات‌ها را بعنوان فاصله زمانی که طی آن مالیات باید پرداخت شود، با زمانی که مالیات واقعا پرداخت می‌شود، تعریف می‌کند. وی بر همین اساس تأخیر در پرداخت مالیات را به دو بخش قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌کند. منظور از وقفه‌های قانونی، فاصله زمانی بین موعد مقرر قانونی پرداخت مالیات با زمان تحقق درآمد مشمول مالیات است. وقفه‌های غیرقانونی در وصول به موقع درآمدهای مالیاتی مربوط به دو انگیزه تلاش مودیان مالیاتی در جهت گریز مالیاتی و به تعویق انداختن پرداخت بدهی‌های مالیاتی و استفاده از منافع حاصل از این تأخیر به ویژه در شرایط تورمی است (زمانی و کلاتری، ۱۳۷۸).

با توجه به اهمیت پرداخت مالیات، مطالعات مختلف به بررسی نقش فاکتورهای مختلف بر وقفه مالیاتی و نیز اثر وقفه مالیات بر اقتصاد پرداختند. از جمله آلینگام و ساندمو (۱۹۷۲)، اسپایسر و لادستلد (۱۹۷۶)، بکر و همکاران (۱۹۸۷) و تورگلر (۲۰۰۳) نشان دادند که بار مالیاتی، سطح درآمد، منبع درآمد، حساسی مالیاتی، نرخ مالیات، مجازات، جنسیت، وضعیت تاهل، خدمات عمومی، سیستم مالیاتی، معنویت مالیاتی و

روحیه مالیاتی از عوامل تأثیرگذار بر وقفه مالیاتی هستند. نک و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی این مطلب پرداختند که چگونه وقفه غیرقانونی مالیات بر اقتصاد سایه‌ای تأثیر می‌گذارد همچنین به ارزیابی تأثیر پیچیدگی مالیاتی بر شدت این رابطه پرداختند. ایولا و اسویه (۲۰۱۲) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در نیجریه پرداختند. عوامل شناسایی شده عبارتند از ابزار ضعیف، عدم وجود سازمان‌های ذیربط کافی برای جمع‌آوری مالیات، پشتیبانی مالی ضعیف و مسیرهای نامناسب برای رسیدن به مکان پرداخت مالیات. هویوان (۲۰۱۲) به ارزیابی وقفه مالیاتی در شرکت‌های بنگلادش پرداخت و نشان داد که ضعف سیستم دریافت مالیات مهمترین علت پدیدار شدن وقفه مالیاتی است. آلبیدی و همکاران (۲۰۱۱) به ارزیابی نگرش مودیان مالیاتی و تبعیت مالیاتی در نیجریه پرداختند و نشان دادند نگرش افراد بر رفتار تبعیت مالیاتی مودیان تأثیرگذار است. مطالعات انجام شده توسط گالدانا (۲۰۱۳)، ریچارد (۲۰۱۳)، ماریا و جودیز (۲۰۱۳) نشان دادند که بین نرخ مالیات و مالیات‌گیری رابطه مثبت وجود دارد در حالیکه، نانو (۲۰۱۳)، فازینا و همکاران (۲۰۱۳) و آدیسی و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که این رابطه منفی است. مطالعات انجام شده توسط جان و اسلیمروود (۲۰۰۸) و الم و مک کی (۱۹۹۲) نشان دادند که افزایش سطح درآمد منجر به کاهش سطح مالیات‌گیری می‌شود. علاوه بر این، مطالعات از سطح درآمد به عنوان عاملی تأثیرگذار بر مالیات‌گیری یاد کردند. پیترو و ایفایو (۲۰۱۳) نشان دادند که رابطه مثبت بین سطح آموزش و مالیات‌گیری وجود دارد بالعکس، دیواس (۲۰۰۶) و نوازی و همکاران (۲۰۰۶) این رابطه را منفی دانستند. مطابق با نظر آکینومی و اوکپالا (۲۰۱۳) بیان داشتند که فساد اداری از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر وقفه مالیاتی است. لیبرمن (۲۰۰۲)، پاسهویو (۲۰۰۵)، فللیپس (۲۰۰۸) و براتیگام و همکاران (۲۰۰۸) بیان داشتند که در صورتی که ارائه خدمات توسط دولت کیفیت لازم را نداشته باشد، مودیان تمایلی به پرداخت مالیات نخواهند داشت. از طرف دیگر، عدالت درک شده از سیستم مالیاتی موجود می‌تواند بر رفتار مالیات‌گیری مودیان مالیاتی تأثیرگذار باشد (پوپولا، ۲۰۰۹).

با توجه به مطالب مطرح شده و مطالعات گسترده در زمینه عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی از بعد غیرقانونی، پژوهش حاضر بر آن است تا به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده بپردازد. در حقیقت، پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که عوامل مؤثر بر وقفه‌های مالیاتی کدامند و میزان تأثیر این عوامل به چه صورت است؟

پیشینه نظری تحقیق

مفهوم و اهمیت مالیات می‌تواند به عنوان اجباری توسط مقامات مالیاتی در مورد درآمد، هزینه، ثروت یا افراد که به ازای آن هیچ چیز توسط مالیات‌دهندگان به طور مستقیم یا به طور خاص دریافت نمی‌شود، تعریف شود از جمله راه‌های بسیاری که دولت‌ها می‌توانند درآمد کسب کنند، درآمد مالیاتی است که به عنوان مهمترین منبع مالی برای هزینه‌های دولتی به رسمیت شناخته شده است با این حال، تأثیر مالیات در

اقتصاد و جامعه گسترده و عمیق است؛ افزایش مالیات گاهی به دولت سود نمی‌دهد، بلکه اقتصاد و جامعه را به خطر می‌اندازد. این ناشی از اثر درآمد و اثر جانشینی است. اثر درآمد به این معنی است که تغییرات در توان مخارج مالیات دهندگان به دلیل تأثیر مالیات اتفاق می‌افتد و اثر جانشینی به این معنی است که، تغییرات قیمت به دلیل مالیات ممکن است منجر به تغییر رفتار مصرف کنندگان در انتخاب‌هایشان شود. ترکیبی از اثر درآمد و اثر جانشینی منجر به ایجاد بار مالیاتی بیش از حد می‌شود (رستمی و کتابی رودی، ۱۳۹۲). مالیات‌ها تنها به عنوان یک منبع مهم درآمد دولت مطرح نیستند، بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی دولت محسوب می‌شوند. به کارگیری یک سیستم مالیاتی مناسب دارای شرایطی است که از مهمترین آن‌ها عدالت و کارایی است. اصل عدالت مالیاتی اقتضا می‌کند که افراد با توانایی‌های یکسان به یک میزان مالیات پرداخت کنند و افرادی که به لحاظ توانایی پرداخت در شرایط متفاوتی قرار دارند به میزان متفاوت در تأمین مالی هزینه‌های عمومی مشارکت نمایند. برقراری نرخ‌های مالیاتی تصاعدی با توجه به اصل توانایی پرداخت، قابل توجیه است. این اصل با ملاحظات توزیعی و عدالت اجتماعی سازگارتر است. مالیات بر مصرف با اصل فایده و مالیات بر درآمد با اصل توانایی پرداخت تطبیق دارند. در خصوص کارایی مالیاتی مسئله حایز اهمیت این است که اقدام دولت برای کسب درآمد مالیاتی اثرات و عوارض جانبی را همراه خواهد داشت. در یک نظام اقتصادی گسترده و پیچیده، انواع مالیات‌ها اثرات جانبی متفاوت می‌توانند داشته باشند. بنابراین، مالیات باید به نحوی وضع شود که کمترین اثرات اختلالی را در سیستم اقتصادی بر جای بگذارد. مهم‌ترین اثر اختلالی مالیات‌ها تغییر رفتار عاملین اقتصادی است. البته از این مسئله می‌توان در جهت تصحیح رفتار عاملین اقتصادی و هدایت آن‌ها به سمت عملکرد مطلوب نیز استفاده نمود. اثرات جانبی مالیات شامل اثرات تخصیصی و توزیعی مالیات است. در ادبیات اقتصادی کوشش‌های فراوانی شده است تا در قالب تجزیه و تحلیل عمومی این اثرات تشخیص داده شود. آثار تخصیصی و توزیعی هر مالیات را به واسطه سه اثر درآمدی (اثر تقاضایی)، اثر جانشینی و اثر ستاده‌ای می‌توان تشخیص داد. البته این سه اثر الزاماً با هم همراه نمی‌باشند و برای بعضی از انواع مالیات‌ها یک یا دو یا هر سه اثر ممکن است صفر باشد (هژبرکیانی و محمدی، ۱۳۸۸).

وقفه مالیاتی یک واقعیت ثابت شده در مورد مالیات بر درآمد در همه کشورها وجود وقفه در جمع‌آوری مالیات است. شواهد تجربی گسترده در همه کشورها برای وجود وقفه مجموعه در مقوله‌های اصلی درآمد دولت وجود دارد. علاوه بر این، در میان دسته‌های درآمد، شواهد نشان می‌دهد که تنوع گسترده‌ای در وقفه جمع‌آوری وجود دارد. اهمیت تأثیرات ناشی از وقفه جمع‌آوری نیز به تازگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً با تمرکز بر روی (۱) برآورد اثرات تخریب درآمد تورم در مدل استاندارد مالی تورمی که در آن اثبات شده است که فرسایش واقعی درآمدهای مالی ناشی از وقفه جمع‌آوری، هرچند در کشورهای مختلف متغیر است، سود حاصل از مالیات، تورم را متعادل می‌سازد، بنابراین به شدت استفاده از آن در تولید منابع دولتی محدود می‌شود. تجزیه و تحلیل نرخ بهینه نرخ رشد پولی در زمانی که وقفه

جمع آوری مالیات در سیستم مالیاتی وجود دارد و دولت از مالیات بر تورم برای حمایت از سرمایه‌گذاری برای افزایش رشد استفاده می‌کند که نشان می‌دهد که هزینه‌های حاشیه‌ای برای استفاده از مالیات تورمی بالاتر از آن است که بدون وقفه جمع آوری باشد تحقیق در مورد طراحی مطلوب ابزار مالیاتی با استفاده از مالیات بر تورم و مالیات بر کالاها در زمان وقفه مالیاتی، که در آن استدلال تانزی (۱۹۷۸) چالش برانگیز است که بیان می‌کند مالی تورمی ممکن است منجر به ضعف مالی می‌شود زمانی که تورم و وقفه جمع آوری بالا، ارزش واقعی درآمد مالی را کاهش می‌دهد؛ حضور وقفه جمع آوری، بار اضافی مالیات بر درآمد و وابستگی بیشتر به زیان‌های موجود را نسبت به زمانی که وقفه وجود ندارد، افزایش می‌دهد؛ (۴) بازبینی مطلوبیت مالیات تورم در صورت عدم وجود وقفه جمع آوری که به وسیله دیکسیت (۱۹۹۱) ادعا می‌شود، نشان می‌دهد که بسته به اندازه نسبت هزینه و مشخصات تابع هزینه جمع آوری، ممکن است وقفه افزایش یابد، بدون تغییر باقی‌مانده یا نرخ تورم مورد نظر را کاهش دهد (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۷).

پیشینه تجربی تحقیق

– آمیاو و دساکا (۲۰۱۶) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. با اشاره به نقش پررنگ درآمد مالیاتی در اقتصاد کشورها و درآمد دولت و این مطلب که عدم دریافت به موقع مالیات منجر به تحمیل هزینه‌های گزافی به دولت می‌شود، به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی که به دلیل عدم تبعیت مالیاتی مودیان اتفاق می‌افتد، پرداختند. نمونه مورد بررسی آنها کشور قنا بود. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چندگانه استفاده کردند. نتایج نشان دادند که عوامل جمعیت‌شناختی، عوامل اداری و عوامل اقتصادی تأثیر بسزایی بر وقفه مالیات دارند.

– منصور و گراما (۲۰۱۶) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. آنها با اشاره به این امر که وقفه مالیاتی مشکلی است که در طول زمان در تولید درآمد کشورهای در حال توسعه وجود داشته است که در نهایت می‌تواند خدمات عمومی، توانایی و عملکرد مناسب را تضعیف کند، به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی در نیجریه پرداختند. آنها برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده کردند و داده‌ها از ۳۰۳ مودی مالیاتی به صورت تصادفی گردآوری شد. نتایج تحلیل نشان دادند که سیستم مالیاتی، سطح درآمد و سطح تحصیل رابطه مثبت و معناداری با وقفه مالیاتی دارد و از طرف دیگر، نرخ مالیات و فساد اداری رابطه معناداری با وقفه مالیاتی ندارد.

– کایری و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. آنها با اشاره به این مطلب که وقفه مالیاتی غیرقانونی تحت تأثیر ویژگی‌های خاص یک کشور قرار دارد و شناسایی فاکتورهای مؤثر بر وقفه مالیاتی به دولت در تصمیمات مهم مالیاتی کمک می‌کند، به شناسایی نقش فاکتورهای مؤثر بر وقفه مالیاتی پرداختند. آنها پس از مرور تحقیقات انجام شده در این زمینه و بررسی

اطلاعات کشورهای مختلف دریافتند که نرخ مالیات، احتمال حسابرسی و نرخ جریمه از جمله مهمترین فاکتورهای مؤثر بر وقف مالیاتی هستند.

– آکینامی و اوکیالا (۲۰۱۳) در پژوهش خود به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی پرداختند. آنها با اشاره به این مطلب که پدیده وقفه مالیاتی می‌تواند صدماتی را به عملکرد مناسب بخش دولتی وارد کند و تهدیدی برای توانایی دولت در کنترل هزینه‌ها باشد، به شناسایی عوامل مؤثر بر وقفه مالیاتی غیرقانونی در نیجریه پرداختند. آنها برای جمع‌آوری داده‌های اولیه از ۱۲۰ کسب و کار کوچک پرسشنامه گردآوری کردند. نتایج تحلیل نشان داد که کیفیت جمع‌آوری مالیات می‌تواند از وقفه مالیاتی در نیجریه جلوگیری کند.

– حمیدی و همکاران (۱۳۹۴) با اشاره به این مطلب که درآمد مالیاتی یکی از مهمترین راه‌های تأمین منابع دولت است و اما تحقق این درآمد با وجود فرار مالیاتی دچار اختلال می‌شود و از پیامدهای فرار مالیاتی، کاهش درآمد مالیاتی و در نتیجه کسری بودجه دولت است. گسترش پدیده فرار مالیاتی خود معلول عواملی است. جرایم مالیاتی به عنوان یکی از ابزارها، از سوی قانون‌گذار برای برخورد با متخلفان مالیاتی وضع شده است. هدف از این تحقیق بررسی جایگاه جرایم مالیاتی در جلوگیری از فرار در نظام مالیات بر ارزش افزوده در استان قزوین بود. ابتدا جایگاه جرایم مالیاتی و عوامل مؤثر بر کاهش فرار مالیاتی با استفاده از ادبیات تحقیق، نظر خبرگان و مؤدیان مالیات بر ارزش افزوده از طریق ۱۲۰ پرسشنامه در مرحله اول شناسایی و سپس با بهره‌گیری از نظرات ۱۰ خبره و با استفاده از تکنیک دیمتل فازی، رابطه‌های ممکن و شدت تأثیر روابط و اهمیت هر یک از عوامل مشخص شده است. نتایج نشان دادند جرایم مالیاتی از دیگر عوامل مؤثر بر کاهش فرار مالیاتی اثر می‌پذیرد ولی بر هیچ یک از شاخص‌ها اثر نمی‌گذارد و نسبت به شاخص‌های دیگر از کمترین وزن برخوردار است و آخرین رتبه را به خود اختصاص داده است.

با توجه به مبانی نظری، فرضیات پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

- سطح درآمد بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.
- توسعه شهری وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.
- فساد اداری بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.
- کیفیت خدمات درمانی بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.
- نرخ تورم بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کشور ایران است. نمونه مورد بررسی شامل اطلاعات کشور ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۶ است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده نمونه‌گیری طبقه‌ای بوده است. برای گردآوری داده‌ها

از پرسشنامه استفاده شبرای آزمون فرضیه پژوهش، ابتدا پایایی و قابلیت اعتماد پرسشنامه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. این ضریب برای تمام متغیرهای مدل مفهومی پژوهش بیشتر از ۰/۷ به دست آمد؛ رقم به دست آمده اعتبار و سازگاری درونی مناسب سازه‌های پژوهش را نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱. آلفای کرونباخ متغیرها

معناداری	آماره آزمون	متغیر
۰/۰۰۰	۱۲/۴۵۵	CORR
۰/۰۰۰	-۹/۰۸۵	GHE
۰/۰۰۰	-۵/۳۰۹	GDP
۰/۰۰۰	-۷/۹۰۷	INF
۰/۰۰۰	-۷/۰۶۳	LAG
۰/۰۰۰	-۶/۵۲۵	REVEN
۰/۰۰۰	-۹/۳۲۱	VAT
۰/۰۴۰	-۲/۹۷۶	UR

یافته‌های تحقیق

سنجش هم‌خطی بین متغیرهای مستقل

هم‌خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. در صورت وجود هم‌خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث میشود که تعداد متغیرهای معنی‌دار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم‌خطی از معیار عامل تورم واریانس استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی می‌باشد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم‌خطی بین متغیرها

متغیر	تلورانس	عامل تورم واریانس
GHE	۹۸۰.	۱/۰۲۰
INF	۸۷۵.	۱/۱۴۳
REVE	۹۲۶.	۱/۰۷۹
UR	۸۸۲.	۱/۱۳۴
CORR	۹۸۳.	۱/۰۱۷

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول ۲، از آنجایی که مقدار شاخص تلورانس برای هیچ یک از متغیرها نزدیک صفر نیست، لذا می‌توان بیان نمود که احتمال هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد و لذا هیچ متغیری از مدل حذف نمی‌شود.

بررسی فرضیه‌های تحقیق

به منظور آزمون تحقیق مبنی بر تأثیرگذاری گردش مالی بر ارزش سهام شرکت از مدل رگرسیونی به شکل زیر استفاده می‌شود.

$$LAG = \alpha_0 + \alpha_1 GHE + \alpha_2 INF + \alpha_3 REVE + \alpha_4 UR + \alpha_5 CORRUP + \epsilon_{i,t}$$

در صورتی که ضریب α_1 معنادار باشد، نشان می‌دهد که صرف هزینه توسط دولت برای درمان بر وقفه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_2 معنادار باشد، نشان می‌دهد که تورم بر وقفه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_3 معنادار باشد، نشان می‌دهد که سطح درآمد دولت بر وقفه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_4 معنادار باشد، نشان می‌دهد که توسعه شهرنشینی بر وقفه مالیاتی تأثیرگذار است. در صورتی که ضریب α_5 معنادار باشد، نشان می‌دهد که فساد بر وقفه مالیاتی تأثیرگذار است. نتایج برازش مدل در ادامه نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج برازش مدل برای بررسی درستی فرضیات تحقیق

متغیر	ضریب رگرسیونی	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری
GHE	۱/۴۸۹۴۱۴-	۰/۴۸۱۰۰۲	۳/۰۹۶۴۸۲-	۰/۰۲۱۲
INF	۷۶/۸۷۸۲۲	۰/۰۲۷۵۳۳	۲۷۹۲/۱۹۶	۰/۰۰۰۰
REVE	۰/۱۱۰۸۵۴-	۰/۰۳۷۱۴۵	۲/۹۸۴۳۳۱-	۰/۰۲۴۵
UR	۱/۲۳۹۱۱۶-	۰/۲۷۳۷۲۸	۴/۵۲۶۸۱۴-	۰/۰۰۴۰
CORR	۱/۷۳۵۵۶۲	۰/۳۴۱۵۱۱	۵/۰۸۲۰۰۹	۰/۰۰۱۰
ضریب تعیین	۰/۹۹۹۹۹۹		اماره دوربین- واتسون	۲/۰۳۰۸۶۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۹۹۹۹۹			

با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون فیشر کمتر از پنج درصد می‌باشد، فرض خطی بودن رابطه بین متغیرها تأیید می‌گردد.

ضریب تعیین محاسبه شده عدد ۰/۹۹ را نشان می‌دهد که برازش بالایی را از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل ارائه می‌کند.

یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. آماره دوربین - واتسون به منظور

بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می‌شود که اگر مقدار آماره دوربین - واتسون در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض همبستگی بین خطاها رد می‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار آماره دوربین - واتسون طبق جدول ۲/۰۳ می‌باشد و این عدد نشان می‌دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد. مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر هزینه دولت برای درمان بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی منفی است و این امر نشان‌دهنده تأثیر منفی معنادار اثر هزینه دولت برای درمان بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر تورم بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی مثبت است و این امر نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار اثر تورم بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر درآمد بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی منفی است و این امر نشان‌دهنده تأثیر منفی معنادار اثر درآمد دولت بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر توسعه شهرنشینی بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی منفی است و این امر نشان‌دهنده تأثیر منفی معنادار اثر توسعه شهرنشینی بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

مقدار آماره آزمون برای بررسی اثر فساد بر وقفه مالیاتی از ۱/۹۶ بیشتر و ضریب رگرسیونی مثبت است و این امر نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار اثر فساد بر وقفه مالیاتی است. لذا فرضیه در نظر گرفته شده پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- با توجه به مشکل مالیات‌گریزی، مطالعات انجام شده در زمینه مالیات، به شناسایی عوامل مؤثر بر مالیات‌گریزی پرداختند. برخی مسائل فردی را در عدم پرداخت مالیات مؤثر دانستند و نشان دادند عواملی همچون عدم بهره‌وری شخصی مالی و عدم وجود تعهدات انسانی می‌تواند منجر به عدم پرداخت مالیات شود. برخی دیگر، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و روانی را به عنوان عوامل مؤثر بر مالیات‌گریزی می‌دانند. به‌طور خاص، این عوامل متغیرهای جمعیت‌شناختی، فرصت عدم تمکین (آموزش، سطح درآمد، منبع درآمد و شغل)، نگرش (رشد اخلاقی مالیات‌دهندگان و عادلانه بودن نظام مالیاتی) و ساختار نظام مالیاتی (پیچیدگی نظام مالیاتی، تماس با مقامات مالیاتی، تحریم، احتمال تشخیص و نرخ مالیات) را شامل می‌شوند. در این پژوهش، رویکرد جامع‌تری از اهمیت مالیات در نظر گرفته شد و به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر وقفه مالیاتی پرداخته شد.

- سطح درآمد بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

- با توجه به این مطلب که افزایش سطح درآمد می‌تواند تأثیری معکوس بر وقفه مالیاتی داشته باشد، پیشنهاد می‌شود دولت سطح درآمد افراد را مطابق با استانداردهای جامعه و نیازهای ضروری افراد تعیین کند و نیز مالیات گروه‌های کم درآمد را به حداقل برساند.
- توسعه شهری وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیر گذار است.
- با توجه به این مطلب که توسعه شهرنشینی می‌تواند وقفه مالیاتی را کاهش دهد، می‌توان این گونه بیان نمود که به دلیل توسعه ارتباطات در شهرها و جمع‌آوری الکترونیکی اظهارنامه‌های مالیاتی، وقفه مالیاتی کمتر اتفاق می‌افتد. لذا دولت بایستی اقدامات لازم در زمینه توسعه ابزار الکترونیک در روستاها در زمینه جمع‌آوری الکترونیکی اظهارنامه‌ها را انجام دهد.
- فساد اداری بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیر گذار است.
- با توجه به این مطلب که گسترش فساد می‌تواند تمایل به عدم پرداخت مالیات را افزایش دهد، پیشنهاد می‌شود دولت در زمینه قانونگذاری‌های دقیق، برقراری عدالت در جامعه از نظر برابری در مقابل قانون، مبارزه با پولشویی، مبارزه با رشوه‌خاری اقدامات لازم را انجام دهد. به گونه‌ای که هر فرد در هر قشری از جامعه مطمئن باشد که خطای وی می‌تواند هزینه هنگفتی برای وی داشته باشد تا از فساد در سطح خرد و کلان بپرهیزد.
- کیفیت خدمات درمانی بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیر گذار است.
- با توجه به تأثیر منفی کیفیت خدمات درمانی بر وقفه مالیاتی، دولت بایستی از مالیات بر درآمد پرداختی از افراد در راستای رفع نیازهای درمانی افراد جامعه استفاده کند تا افراد جامعه اشتیاق بالاتری به پرداخت مالیات داشته باشند.
- نرخ تورم بر وقفه‌های مالیاتی در بخش مالیات بر ارزش افزوده تأثیر گذار است.
- با توجه به تأثیر مثبت و قوی تورم بر وقفه مالیاتی نساز است که دولت بر قیمت‌ها نظارت کافی و دقیق داشته باشد. دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخش تولید و کمک به مردم در زمینه رفع نیازهای اولیه‌شان با قیمت پایین‌تر از افزایش تورم جلوگیری کند.
- همچنین با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و محدودیت‌های آن، پیشنهادهای زیر برای پژوهش بعدی پیشنهاد می‌شود:
- مطالعه تطبیقی در زمینه اقدامات انجام شده در ایران و سایر کشورها برای مبارزه با مالیات‌گریزی و تعیین نواقص موجود در ایران.
- ارزیابی سطح وقفه مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای عضو شورای خلیج فارس
- ارزیابی سطح وقفه مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای عضو D8

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشته است. بخشی از محدودیت‌های پژوهش حاضر از جامعه آماری سرچشمه می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به بی‌دقتی اعضای نمونه در پاسخگویی به سؤال‌ها و انحصار مطالعه به سازمانی یا مکانی خاص اشاره کرد بعلاوه در این پژوهش برای سنجش وقفه مالیاتی (LAG) از مدل بومی شده مبتنی بر پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۸۳) استفاده شد ممکن است با تغییر شاخص نتایج نیز تغییر کند.

فهرست منابع و مآخذ

- بحری ثالث، جمال، بهنمون، یعقوب و مددی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳). ویژگی های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه. حسابداری مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۲، ۵۳-۶۷.
- رستمی، ولی؛ کتابی رودی، احمد. (۱۳۹۲). اختیارات و اقتدارات دستگاه مالیاتی؛ زمان و شیوه وصول مالیات (مطالعه موردی: دو کشور ایران و انگلستان). مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۵-۱۹.
- وکیلی فرد، حمیدرضا؛ نظرپور، محمود؛ عموری، مهدی. (۱۳۸۷). تأثیر انجام حسابرسی مالیاتی بر وقفه‌ی مالیاتی قانونی (مورد مطالعه: اداره کل امور مالیاتی مؤدیان بزرگ). فصلنامه مالیات، دوره جدید، شماره اول، صص ۱۲۰-۹۳.
- هژبر کیانی، کامبیز؛ محمدی، فردین. (۱۳۸۸). محاسبه نرخ‌های بهینه مالیات بر درآمد مشاغل و شرکت‌ها. پژوهشنامه مالیات، سال هفدهم، شماره ۶، صص ۷-۶.

___ Abiola, J. , and Asiweh, M. (2012). Impact of tax administration on government revenue in a developing economy : A case study of Nigeria. *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 3, No. 8, pp. 99-113.

___ Alabede, J. O. , Ariffin, Z. Z. , & Idris, K. M. (2011). Individual taxpayers' attitude and compliance behaviour in Nigeria: The moderating role of financial condition and risk preference. *Journal of Accounting and Taxation*, 3(5), 91-104.

___ Allingham, M. G. and Sandmo, A. (1972) Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis. *Journal of Public Economics* , 1, 323-338. [https://doi.org/1016/10/0047-2727\(72\)90010-2](https://doi.org/1016/10/0047-2727(72)90010-2)

___ Becker, W. , Buchner, H. J. and Sleeking, S. (1987) The Impact of Public Transfer Expenditures on Tax Evasion: An Experimental Approach. *Journal of Public Economics* , 34, 243-252. [https://doi.org/1016/10/0047-2727\(87\)90022-3](https://doi.org/1016/10/0047-2727(87)90022-3)

___ Brautigam, D. , Fjeldstad, O. H. , & Moore, M. (Eds.). (2008). *Taxation and state-building in developing countries: Capacity and consent*. Cambridge University Press.

___ Brautigam, D. , Odd-Helge, F. , and Mick, M. (2008), *Taxation and state-building in developing countries: Capacity and consent*, Cambridge: Cambridge University Press.

___ Jain, A. K. , "Controlling Power and Politics", in Jain, A. K. (ed.), *The Political Economy of Corruption*, London, Routledge, 2001, p. 214.

___ Kim, B. (2007). The influence of tax costs on accounting conservatism.

___ Moore, D. A. (2008). Judgment in managerial decision making.

___ Neck, R. , Wachter, J. U. , & Schneider, F. (2011). Tax avoidance versus tax evasion: On some determinants of the shadow economy. Springer Science Business Media.

___ Riihelä, M. , Sullström, R. , & Tuomala, M. (2010). Trends in top income shares in Finland. Top Incomes: A Global Perspective, 2.

___ Saez, E. , & Stantcheva, S. (2016). Generalized social marginal welfare weights for optimal tax theory. American Economic Review, 106(1), 24-45.

___ Tanzi, V. (2003). The underground economy. Finance and Development, 20(4), 10-13.

___ Torgler, B. (2003) Tax Morale: Theory and Empirical Analysis of Tax Compliance. Dissertation, der Universität Basel, zur Erlangung der Würde eines Doktors der Staatswissenschaften.

